

چالش‌های حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری با مطالعه تطبیقی در کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۳

رضا معبودی نیشابوری^۱
سید علیرضا رضائی^۲

چکیده

میانجیگری با توجه به اتکا بر تراضی طرفین و اینکه نتیجه فرایند میانجیگری یا سازش‌نامه مطلوب طرفین دعوا است، روشی ویژه در حل و فصل اختلافات محسوب می‌شود. کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ در خصوص سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد برای ارتقای نهاد یادشده و رفع نقیصه فقدان وصف لازم‌الاجرا در سازش‌نامه‌ها تنظیم شده است. در برخی موارد، سازش‌نامه حاصل از فرایند میانجیگری در رأی داوری منعکس می‌شود و مقرر قانونی حاکم بر آن با توجه به دخالت داوری و میانجیگری به‌عنوان دو روش حل اختلاف مستقل، محل تردید است. برای رفع تردید یادشده باید مقررات کنوانسیون‌های نیویورک و سنگاپور به‌عنوان معاهدات بین‌المللی در خصوص اجرای سازش‌نامه و رأی داوری و همچنین مقررات نظام حقوقی ایران مورد بررسی و مذاقه تطبیقی قرار گیرد. در بند ۳ از ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، سازش‌نامه‌هایی که به‌عنوان رأی داوری مورد ثبت قرار گرفته و لازم‌الاجرا باشند، از قلمرو اعمال معاهده یادشده مستثنی شده‌اند. ابهامات حقوقی متعددی در خصوص مقرر یادشده وجود دارد. آیا هدف این مقرر جهت رفع تداخل نظام حمایتی کنوانسیون‌های سنگاپور و نیویورک محقق شده است؟ منظور کنوانسیون از اینکه رأی ثبت‌شده لازم‌الاجرا باشد، چیست؟ آیا اصلاً رأی داوری

منعکس‌کننده میانجیگری، رأی محسوب می‌شود؟ و این مقرر در چه حالاتی باعث شده که رأی داوری منعکس‌کننده میانجیگری طرفین، از حمایت اجرایی هر دو کنوانسیون سنگاپور و نیویورک محروم شود؟ مقاله حاضر با بررسی پرسش‌های پیش‌گفته به این نتیجه نائل آمده است که نحوه تنظیم مقرر یادشده علاوه بر ایجاد ابهامات حقوقی، سبب شده است که برخی آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری، مشمول حمایت اجرایی هیچ‌یک از کنوانسیون‌های نیویورک و سنگاپور نشوند. تا زمانی که احیاناً متن کنوانسیون سنگاپور در این زمینه اصلاح شود، به‌عنوان راه‌حل، این مقاله پیشنهاد نموده است که داوران و وکلای متداعیین با اتخاذ تدابیری تلاش نمایند که لاقلاً مقررات حمایتی کنوانسیون نیویورک قابل اعمال بر سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری باشد؛ هرچند در حال حاضر کنوانسیون سنگاپور راه را بر هرگونه حمایت خود از سازش‌نامه‌های یادشده به‌کلی مسدود کرده است.

واژگان کلیدی: سازش‌نامه ناشی از فرایند میانجیگری، کنوانسیون نیویورک، لازم‌الاجرا بودن رأی داوری.

مقدمه

میانجیگری به‌عنوان یکی از کهن‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات، به دلیل فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه در اسناد بین‌المللی (به‌عنوان مثال کنوانسیون ایکسید)^۳ در مقایسه با دادرسی و داوری کمتر مورد استفاده قرار گرفته است، اما در سالیان اخیر با توجه به مزیت‌های متعدد این روش حل و فصل اختلافات (از جمله سریع بودن، ارزان بودن، حفظ روابط تجاری طرفین، و انعطاف‌پذیر بودن) بیشتر مورد اقبال قرار گرفته و در همین راستا سازمان ملل، اقدام به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری ۲۰۱۹ (کنوانسیون سنگاپور)^۴ جهت اعطای حمایت اجرایی به سازش‌نامه به‌عنوان نتیجه فرایند میانجیگری کرده که ایران نیز به کنوانسیون یادشده پیوسته است.

۳. محمدرضا، مجتهدی، «درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید»، مطالعات حقوقی معاصر، سال دوم، شماره ۳، (۱۳۹۰)، ص ۱۸۳.

4. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019.

مهم‌ترین هدف انعقاد معاهده مزبور، اعمال حمایت‌های مشابه کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی، از نتیجه فرایند میانجی‌گری است.^۵

شایان ذکر است امضای یک معاهده بین‌المللی قبل از تصویب آن از سوی قوه مقننه هیچ تعهدی را برای کشور امضاکننده ایجاد نمی‌کند و همچنین این معاهده جزئی از حقوق موضوعه کشور امضاکننده محسوب نمی‌شود. لذا مقررات کنوانسیون سنگاپور جزئی از حقوق ایران نیست و امضای کنوانسیون سنگاپور باعث ورود قواعد معاهده یادشده به مقررات لازم‌الاجرای ایران نمی‌شود. در عین حال، صرف‌نظر از اینکه امضای این معاهده ایران را یک گام به پیوستن به این کنوانسیون نزدیک کرده است، حتی در صورتی که چنین الحاقی در نهایت صورت نپذیرد، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران با معاهده پیش‌گفته که مشهورترین سند بین‌المللی در زمینه میانجیگری است، از منظر دکتترین، واجد ارزش حقوقی خواهد بود.

میانجیگری یکی از مهم‌ترین روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است. در بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون، بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال در زمینه میانجیگری تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجیگری مصوب ۲۰۱۸^۶ و بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال ۲۰۰۲^۷، تعریف میانجیگری این‌گونه آمده است: «میانجیگری صرف‌نظر از اصطلاحی که استفاده می‌شود یا بر هر مبنایی که اجرا می‌گردد به معنای فرایندی است که طرفین دعوا سعی می‌کنند تا با همکاری شخص یا اشخاص ثالث (میانجی) بدون داشتن اختیار تحمیل راهکار به طرفین دعوا، به نتیجه‌ای دوستانه در مورد اختلاف خود دست یابند». نزد صاحب‌نظران حقوقی ایران^۸ نیز میانجیگری

۵. رضا، معبودی و سیدعلیرضا، رضائی، «تحلیل دعاوی مستثنی‌شده از قلمرو کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه»، مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۱۱، شماره ۲۰، (۱۳۹۹)، ص ۱۷۰.

6. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation, 2018

از این پس: قانون نمونه ۲۰۱۸.

7. Uncitral Model Law On International Commercial Conciliation (2002)

از این پس: قانون نمونه ۲۰۰۲.

۸. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، *دائرة المعارف علوم اسلامی*، ج ۲، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۶؛ ناصر، کاتوزیان، *حقوق مدنی؛ عقود معین مشارکتها- صلح*، ج ۲، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۱)، ص ۳۲۳؛ احمد، متین دفتری، *آئین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸)، ص ۴۷۷.

همان صلح دعوا تلقی شده و برخی معتقدند که سازش‌نامه همان صلح‌نامه است و عمل حقوقی طرفین، عقد صلح در مورد تنازع تلقی می‌شود.^۹

مهم‌ترین تفاوت میانجیگری با روش‌های حل اختلاف قضایی و داوری در این است که میانجی قادر نیست راساً اختلاف را خاتمه دهد و یا دیدگاه دلخواه خود را به طرفین دعوا تحمیل کند و تنها مجاز است که سعی کند طرفین به یک راه‌حل دوستانه نائل آیند.^{۱۰}

در خصوص تفاوت اصطلاح Mediation یا Conciliation (سازش)، برخی نویسندگان^{۱۱} معتقدند که این دو اصطلاح تمایزات آشکاری دارند؛ اصطلاح Conciliation (سازش) مربوط به سازش ارزیابی‌کننده و اصطلاح Mediation (میانجیگری) مربوط به سازش تسهیل‌کننده است. از این منظر، در سازش تسهیل‌کننده^{۱۲}، خود طرفین دعوا به اختلاف خود خاتمه می‌دهند و میانجی صرفاً اشخاص یادشده را جهت سازش راضی می‌کند، اما تنظیم مفاد سازش‌نامه از سوی طرفین دعوا صورت می‌گیرد. در مقابل، در سازش ارزیابی‌کننده^{۱۳}، میانجی که باید دارای حد مشخصی از معلومات حقوقی باشد، علاوه بر تلاش در جهت برقراری صلح و سازش میان طرفین دعوا، با توجه به وضعیت پرونده و مسائل حقوقی و قانونی مربوط به آن، راهکارهایی را نیز به هریک از طرفین ارائه می‌نماید.^{۱۴}

۹. سید حسن، امامی، حقوق ملنی، ج ۲، (تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۲)، ص ۳۲۱؛ شمس، عبدالله، آیین دادرسی ملنی (دوره پیشرفته)، ج ۳، (تهران: انتشارات دراک، ج ۳۲، ۱۳۹۸)، ص ۴۹۷.

۱۰. عبدالحسین، شیروی، حقوق تجارت بین‌الملل، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱)، ص ۴۹۱.

11. Peter, D'Ambrumenil, *Mediation And Arbitration*, (Great Britain: Cavendish Publishing Limited, First published, 1997), p. 53; Hal, Abramson, "New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements", Catharine Titi; Katia Fach-Gomez, *Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, (London, Oxford University Press, First Edition, 2019), p. 370; Christine, Sim, "Conciliation of investor-state disputes, Arb-con-arb, and The Singapore Convention", *Singapore Academy of Law Journal*, V 31, (2019), p672; Alan, Redfern; Martin, Hunter, *The Law and Practice of International Commercial Arbitration*, (London: Oxford University Press, 2009), p. 46.

12. Facilitative Mediation

13. Evaluative Mediation

14. Kenneth M, Roberts, "Mediating the evaluative-facilitative debate: Why both parties are wrong and proposal for settlement", *Loyola University Chicago Law Journal*, 39(A), (2007), p. 193-195.

پیش‌تر در قانون نمونه سازش آنسیترال ۲۰۰۲ از اصطلاح Conciliation استفاده شده بود، اما در کنوانسیون سنگاپور و قانون نمونه ۲۰۱۸، کارگروه آنسیترال^{۱۵} تصمیم گرفت که عبارت Mediation را به کار ببرد، زیرا عبارت یادشده معمول‌تر بوده و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۱۶} تعریف این دو اصطلاح، در بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲، بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۱۸ و همچنین بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون یکسان بوده، مواد یادشده بیان داشته‌اند که تفاوتی بین این دو اصطلاح قائل نیستند.^{۱۷} در این مقاله از اصطلاح میانجیگری استفاده خواهد شد.

در فرایند حل و فصل اختلاف از طریق داوری ممکن است طرفین به سازش برسند و حتی داور به‌عنوان میانجی به دعوی آنها خاتمه دهد. حتی این احتمال نیز وجود دارد که طرفین پس از طی فرایند میانجیگری، سازش‌نامه حاصله را در رأی داوری ذکر کنند تا به این وسیله بتوانند از مزایای لازم‌الاجرا بودن رأی داوری استفاده نمایند. در این صورت میانجیگری و داوری به‌عنوان دو روش مستقل حل اختلاف در یک سند حل اختلاف تجمیع شده‌اند و تعیین رژیم اجرایی حاکم بر سند یادشده اهمیت دوچندان می‌یابد. از این رو باید مقررات کنوانسیون سنگاپور به‌عنوان معاهده بین‌المللی مربوط به اجرای سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک به‌عنوان معاهده بین‌المللی برای اجرای آرای داوری

15. Uncitral Working Group.

از این پس: «کارگروه».

16. Nadja, Alexander, A Convention on the enforcement of iMSAs and a new Model Law, (2018), <Available at: <http://mediationblog.kluwerarbitration.com/2018/03/16/conventionenforcementimsasnewmodellaw>>; Edna, Sussman, "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Icc Dispute Resolution Bulletin*, 3, (2018), p. 49; Kim, Rooney, "Turning the rivalrous relations Between arbitration and mediation Into cooperative or convergent Modes of a dispute settlement Mechanism for commercial disputes In east Asia", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, 12, (2019), p. 113; Christine, Sim, *Ibid*, p. 694; Khory, McCormick; Sharon, Ong, "Through The Looking Glass: An Insiders Perspective Into The Making Of The Singapore Convention On Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019), p. 523; Dorcas, Quek Anderson, "Supporting party autonomy in the enforcement of cross-border mediated settlement agreements: A brave new world or unchartered territory?", *Privatizing dispute resolution: Trends and limits*, Research collection school of Law, 18, (2019), p. 6.

17. Edna, Sussman, "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Ibid*, p. 50; Rooney, *Ibid*, p. 113; Eunice, Chua, "Enforcement Of International Mediated Settlements Without The Singapore Convention On Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019), p. 5.

تجاری بین‌المللی به صورت تطبیقی مطالعه شود و نیز رویکرد کنونی نظام حقوقی ایران در مورد آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری مورد بررسی قرار گیرد.

در بند ۳ از ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، سازش‌نامه‌هایی که به‌عنوان رأی داوری مورد ثبت قرار گرفته و لازم‌الاجرا باشند، از قلمرو اعمال معاهده یادشده مستثنی شده‌اند. علت وضع قاعده پیش‌گفته از سوی تنظیم‌کنندگان این کنوانسیون، جلوگیری از تداخل قلمرو اعمال کنوانسیون‌های سنگاپور و کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی (کنوانسیون نیویورک)^{۱۸} بوده است که صرف‌نظر از مشخص نبودن ایراد اعمال دو کنوانسیون بر رأی داوری یا سازش‌نامه، نحوه تنظیم این مقرره باعث ایجاد مسائل و مشکلات حقوقی شده است. از طرفی، ابهاماتی در منظور کنوانسیون سنگاپور از عبارات «رأی»، «ثبت‌شده» و «لازم‌الاجرا» وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر، نحوه تنظیم مقرره پیش‌گفته در عمل باعث شده است با توجه به عدم پوشش حمایتی تمامی آرای داوری از سوی کنوانسیون نیویورک، برخی آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری از حمایت اجرایی هر دو کنوانسیون سنگاپور و نیویورک محروم شوند.

این مقاله به دلیل بررسی کنوانسیون سنگاپور به‌عنوان جدیدترین سند بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلافات و تلاش برای افزایش اقبال آن در فضای حقوقی کشور به‌وسیله تطبیق قواعد آن با حقوق ایران، دارای تازگی و اصالت است.

با توجه به آنچه بیان شد در پژوهش حاضر چالش‌های حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ ذیل این بندها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. تداخل نظام حمایتی کنوانسیون‌های سنگاپور و نیویورک

بند ۳ از ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور بیان می‌دارد این کنوانسیون بر موارد زیر قابل اعمال نیست: ب- سازش‌نامه‌هایی که به‌عنوان رأی داوری مورد ثبت قرار گرفته، لازم‌الاجرا هستند. عین چنین عباراتی در قانون نمونه آنسیترال در زمینه سازش تجاری بین‌المللی و

18. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York) 1958.

سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجیگری مصوب ۲۰۱۸^{۲۰} آمده و در قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال ۲۰۰۲^{۲۱} با عباراتی متفاوت عملاً همین موضع را در بند ۹ ماده ۱ به این شرح اتخاذ کرده است: «در پرونده‌هایی که قاضی یا داور، در مقام قضاوت یا داوری، برای رسیدن به توافق تلاش می‌کنند» از محدوده اعمال این مقرر خارج خواهد بود.

هدف اصلی وضع قاعده پیش‌گفته، اجتناب از تداخل میان محدوده کنوانسیون سنگاپور با کنوانسیون نیویورک بوده است، زیرا در غیر این صورت، سازش‌نامه از دو طریق قابل اجرا خواهد بود و از منظر برخی حقوق‌دانان، طرفین دعوا می‌توانند از این مسئله سوءاستفاده نمایند.^{۲۳}

19. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018

۲۰. از این پس: «قانون نمونه ۲۰۱۸».

21. Uncitral Model Law on International Commercial Conciliation

۲۲. از این پس: «قانون نمونه ۲۰۰۲».

23. Edna, Sussman, “The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements”, *Ibid*, p. 49; Khory, McCormick; *Ibid*, p. 536; Nadja, Alexander; Shou, Chong, The new UN Convention on mediation (aka the ‘Singapore Convention’) – Why it’s important for Hong Kong, *Hong Kong Lawyer* 26-33, Research Collection School Of Law, (2019), p. 1; Miglè, Žukauskaitė, “Enforcement of Mediated Settlement Agreements”, Vilnius University Press, 111, (2019), p. 212; Eunice, Chua, *Ibid*, p. 3; Nadja, Alexander, A Convention on the enforcement of iMSAs and a new Model Law, (2018), *Ibid*, p. 1; Kim, Rooney, *Ibid*, p. 113; Karen, Vandekerckhove, *Mediation of Cross-Border Commercial Disputes in the European Union, In Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, (London: Oxford University Press, First Edition, 2019), p. 201; Natalie, Morris-Sharma, “Constructing The Convention On Mediation The Chairperson’s Perspective”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019), p. 505; Hal, Abramson, *Ibid*, p. 375; Shou, Chong; Felix, Steffek, “Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private international law issues in perspective”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019), p. 459; Bruno, Zeller; Leon, Trakman, “Mediation and arbitration: the process of enforcement”, *University of New South Wales Law Research Series Uniform Law Review*, 1, (2019), p. 6; Ahdieh Alipour, Herisi; Trachte-Huber, Wendy, “Aftermath of the Singapore Convention: A Comparative Analysis between the Singapore Convention and the New York Convention”. *American Journal of Mediation*, 12, (2019), p. 166; Norel, Rosner, “The Singapore Convention: Reflections on Articles 1.3 on Scope, on Reservations, and 12 on Regional Economic Integration Organization”, *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, 20, (2019), p. 1262; Clemens, Treichl, “The Singapore Convention: Towards a Universal Standard for the Recognition and Enforcement of International Settlement Agreements?”, *Journal of International Dispute Settlement*, 20, (2020), p. 11.

همچنین در این خصوص عنوان شده است که یک عمل حقوقی یا سند قانونی نمی‌تواند موضوع چندین رژیم اجرایی قرار گیرد و نباید مبانی مختلفی برای اجرای یک سازش‌نامه وجود داشته باشد. به‌علاوه رفتارهای متفاوتی باید با سازش‌نامه و رأی داور یا قضایی که شامل سازش‌نامه است، صورت گیرد و هرکدام رژیم‌های اجرایی مختلفی داشته باشند.^{۲۴}

البته در مقابل، برخی نویسندگان^{۲۵} بیان داشته‌اند که استثنای یادشده از جهاتی ضرورت نداشته، بهتر بود این نوع سازش‌نامه‌ها نیز تحت شمول کنوانسیون سنگاپور قرار می‌گرفت؛ نخست اینکه تداخل میان اجرای کنوانسیون نیویورک با کنوانسیون سنگاپور شاید به نفع طرفین دعوا باشد، زیرا آنها سازوکاری را برای دعوی خود انتخاب می‌نمایند که برای آنها مناسب‌تر است، اما چنین استثنایی این حق انتخاب را از طرفین دعوا سلب می‌کند. دوم اینکه ممکن است رأی داور صادره که منعکس‌کننده میانجیگری میان طرفین است، به دلایلی تحت شمول کنوانسیون نیویورک قرار نگیرد، در این صورت با توجه به این مقررۀ کنوانسیون سنگاپور، امکان اجرای این رأی داور یا سازش‌نامه منتفی می‌شود. سوم، ممکن است کشورهای تمالیل داشته باشند عضو کنوانسیون سنگاپور شوند، اما مایل به استفاده از کنوانسیون نیویورک نباشند؛ در این حالت نیز سازش‌نامه قابل اجرا نیست. چهارم، تعارضی میان سازوکار اجرای آرای داور و سازش‌نامه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین، تداخل میان این مقررات باعث مشکلات جدی از لحاظ عملی و اجرایی نخواهد بود، زیرا هر دو کنوانسیون، حداقل‌ها را مشخص می‌کنند، نه حداکثرها را و اعضای این کنوانسیون‌ها می‌توانند مقررات مناسب‌تر را اجرا نمایند. به‌علاوه تعیین اینکه کدام رژیم اجرایی باید استفاده شود، در اختیار مقام صلاحیت‌دار کشور محل اجرا است. همچنین ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور بیان می‌دارد که این کنوانسیون در مواردی که به سازش‌نامه استناد می‌گردد، نباید هیچ‌یک از طرفین ذی‌نفع را از حقوقی که ممکن است به‌نوعی ناشی از سازش‌نامه و در حدود قوانین و معاهدات کشور عضو کنوانسیون باشد، محروم گرداند. لذا همان‌طور که برخی نویسندگان^{۲۶} اشاره کرده‌اند، مطابق این ماده، طرفین دعوا باید بتوانند از مناسب‌ترین

24. Khory, McCormick; Sharon, Ong, Ibid, p. 536.

25. Miglè, Žukauskaitė, Khory, Ibid, p. 212; McCormick; Sharon, Ong, Ibid, pp. 536-537.

26. Khory, McCormick; Sharon, Ong, Ibid, p. 530.

رژیم اجرایی موجود استفاده نمایند.

در همین راستا باید بیان داشت که چه ایرادی دارد که سازش‌نامه مشمول حمایت‌های کنوانسیون‌های سنگاپور و نیویورک باشد؟ حتی در نظام‌های حقوقی ملی قواعد امتیاز وجود دارد. برای مثال، در حقوق ایران وصول طلب از طریق چک از روش‌های مختلفی مثل اجرای احکام مدنی، اجرای ثبت و بانک امکان‌پذیر است. همین مسئله در مورد مهریه نیز مصداق دارد. لذا وجود چند ابزار اجرا باعث تسهیل امور برای اشخاص جامعه می‌شود.

طبق قاعده حداکثر تأثیر^{۲۷}، در صورت قابلیت اعمال چند معاهده، در نهایت کنوانسیون اعمال می‌شود که باعث اعتبار و صحت عمل حقوقی خواهد شد. لذا اگر رأی داوری مطابق یک کنوانسیون غیرقابل اجرا و مطابق کنوانسیون دیگر قابل اجرا باشد، کنوانسیون پیش‌گفته بر این رأی داوری اعمال می‌شود. چنین مسئله‌ای در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون نیویورک پیش‌بینی شده است^{۲۸}. همچنین علی‌رغم فعل ماضی به کاررفته در عبارت نخست بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون نیویورک، حتی اگر معاهده‌ای پس از کنوانسیون نیویورک نیز به تصویب برسد، باز هم مقررات مناسب‌تر اعمال خواهد شد، زیرا حق انتخاب مساعدترین قاعده در عبارت دوم همین بند، مطلق معاهدات را دربر می‌گیرد^{۲۹}. مطابق اصل حق انتخاب مساعدترین قاعده در کنوانسیون نیویورک، اگر شرایط اجرای رأی داوری مطابق کنوانسیون نیویورک فراهم نشده باشد یا تحقق این شرایط دشوار باشد، خواهان اجرا می‌تواند رأی را بر مبنای دیگری اعم از حقوق ملی کشور محل درخواست اجرا یا کنوانسیون دیگری، تقاضا کند^{۳۰}.

مفاد ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور بیانگر این است که کنوانسیون یادشده می‌خواهد بر اساس این ماده طرفین سازش‌نامه را از بالاترین سطح حمایت برخوردار نماید و فرقی نمی‌کند که بالاترین سطح حمایت، وفق مقررات کنوانسیون سنگاپور باشد یا حمایت مندرج

27. The principle of maximum efficiency

۲۸. لعیا، جنیدی، *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۳، ۱۳۹۶)، صص ۱۹۹-۲۰۰.

۲۹. همان، صص ۱۹۹-۲۰۲.

۳۰. همان، صص ۱۹۹-۲۰۶.

در قوانین داخلی کشورها یا کنوانسیون‌های دیگر. این رویکرد کنوانسیون در ماده ۷ با مفاد استثنای یادشده در بند ۳ ماده ۱ مقررۀ پیش‌گفته مغایرت دارد، زیرا خارج نمودن سازش‌نامه‌های پیش‌گفته در رأی داوری از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور، باعث می‌شود بالاترین سطح حمایت لحاظ نشود و در نتیجه با فقدان حمایت در برخی سازش‌نامه‌ها مواجه خواهیم شد. با این توضیح که در فرضی که سازش‌نامه‌ای در داوری تنظیم شود و تحت شمول کنوانسیون نیویورک قرار نگیرد، برابر بند ۳ از ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، از حمایت این کنوانسیون به دلیل ذکر در رأی داوری نیز محروم خواهد بود. در این صورت، سازش‌نامه تحت حمایت هیچ‌کدام از مقررات مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. تعارض این دو مقررۀ بیانگر نوعی سردرگمی کنوانسیون سنگاپور در تضمین بالاترین حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها است.

به‌نظر می‌رسد چنین تصمیمی (عدم حمایت از سازش‌نامه‌های منعکس در آرای داوری) بیشتر برای حصول اجماع میان اعضای کنوانسیون سنگاپور بوده است. رویکرد یادشده علاوه بر آنکه از منطق محکمی برخوردار نیست، باعث مشکلات و نقایصی در اجرای این کنوانسیون خواهد شد.^{۳۱}

در نظام حقوقی ایران عملاً مشکل تداخل حمایت‌های اجرایی مقررات میانجیگری و داوری وجود ندارد، زیرا سازش‌نامه‌ها در حقوق ایران از لحاظ حمایت اجرایی از چند حالت خارج نیستند: ۱. سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد مراجع قضایی که از طریق مقررات قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ به اجرا گذاشته خواهند شد؛ ۲. سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد سران دفاتر اسناد رسمی که از حمایت اجرایی آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۸۷ برخوردار هستند؛ ۳. سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد داور که مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ مورد حمایت اجرایی قرار می‌گیرند؛ ۴. سازش‌نامه‌های فاقد حمایت اجرایی که عبارت‌اند از سازش‌نامه‌هایی که بدون دخالت شخص ثالث توسط متداعیین به صورت عادی تنظیم می‌شوند و نیز سازش‌نامه‌هایی که نزد اشخاص میانجی تنظیم می‌شوند که عنوان داور، مقام قضایی و یا سردفتر اسناد رسمی را ندارند. با توجه به آنچه ذکر شد،

31. Miglè, Žukauskaitė, Khory, Ibid, p. 212-213.

صرف‌نظر از نقیصه فقدان حمایت اجرایی در دسته اخیر، نظام حقوقی ایران با مشکل نبود حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های سه گروه نخست یا تداخل نظام‌های حمایتی آنها مواجه است.

۲. دخالت مؤلفه‌ای با عنوان «ثبوت رأی»

پاراگراف دوم از بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور مقرر داشته است که سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داورى که ثبت‌شده و لازم‌الاجرا باشد از حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور برخوردار نیست. بنابراین وفق این مقرره برای سلب حمایت کنوانسیون سنگاپور از سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داورى، باید شرط لازم‌الاجرا بودن همراه با شرط ثبت توأمان وجود داشته باشد، زیرا در متن این مقرره از واو عطف استفاده شده است. لذا اگر رأی داورى ثبت شده باشد، اما لازم‌الاجرا نباشد، مشمول کنوانسیون سنگاپور قرار می‌گیرد و اگر ثبت نشده باشد، اما لازم‌الاجرا باشد، باز هم مشمول حمایت این کنوانسیون می‌شود.

یکی از موضوعاتی که در تحلیل کنوانسیون نیویورک مطرح شده اینست که آیا برای حمایت اجرایی از رأی داورى، به ثبت آن نیاز است یا خیر. در این خصوص باید توجه داشت که ثبت رأی داورى می‌تواند به دو معنای اعم و اخص مورد استفاده قرار گیرد. گاهی ممکن است منظور از ثبت رأی داورى، تنظیم آن به صورت کتبی باشد و صرف ثبت سابقه نزد داوران کفایت کند (ثبت رأی به مفهوم اعم)؛ در مقابل، ممکن است منظور از ثبت رأی داورى، ثبت آن نزد مرجع قضایی یا سازمان داورى باشد (ثبت رأی به مفهوم اخص). میان ابلاغ رأی داورى و ثبت آن از لحاظ حقوقی تفاوت وجود دارد. ثبت رأی داورى به مفهوم اخص در شرایطی است که دیوان داورى موظف است رأی داورى را نزد دادگاه ملی یا سازمان داورى ثبت نماید. تعهد به ثبت رأی داورى در قانون نمونه داورى آنسیترال و قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران مشاهده نمی‌شود. در مقابل، تکلیف ابلاغ رأی داورى برای دیوان داورى یا سازمان داورى، در نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی مثل پاراگراف «ب» از بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک وجود دارد، زیرا از طریق ابلاغ است که طرفین داورى از مفاد رأی مطلع می‌شوند و می‌توانند به رأی یادشده اعتراض کنند. در نظام حقوقی ایران چنین تکلیفی (ابلاغ رأی) در خصوص داورى‌های داخلی و بین‌المللی، در ماده ۳۰

قانون داورى تجارى بين المللى و ماده ۴۸۵ قانون آيين دادرسى مدنى مشاهده مى شود.^{۳۲}

قطعاً رأى داورى كه ابلاغ نشده است، قابل اجرا نيست، اما نمى توان گفت كه رأى داورى ثبت نشده نزد مرجع قضايى هم قابل اجرا نيست. ابلاغ رأى داورى بدون ثبت آن به مفهوم اخص امكان پذير است. براى مثال، در فرضى كه در قراردادنامه يا توافقنامه داورى روش خاصى از ابلاغ پيش بينى شده باشد، اين روش بدون ثبت به مفهوم اخص امكان پذير است، مانند ابلاغ از طريق ارسال به ايميل طرفين يا از طريق پست؛ در اين صورت ابلاغ رأى داورى بدون نياز به ثبت آن به مفهوم اخص ميسر است. اگر هدف تنظيم كنندگان پاراگراف دوم از بند ۳ ماده ۱ كنوانسيون سنگاپور اين بوده باشد كه سازش نامه هاى يادشده در رأى داورى را كه مشمول حمايت كنوانسيون نيويورك هستند استثنا نمايد، آنها در هدف خود موفق نبوده اند. البته با محدود كردن استثنائى يادشده به رأى داورى ثبت شده به مفهوم اخص و با توجه به وسيع تر شدن محدوده اعمال كنوانسيون سنگاپور، اقدام يادشده با وجود عدم توجه تنظيم كنندگان به اين نتيجه، اقدامى مثبت تلقى مى شود، اما با اين حال با توجه به مشخص نبودن مفهوم ثبت و عدم الزام آن در كنوانسيون نيويورك اين اقدام قابل نقد است و بهتر بود قيد ثبت در خصوص رأى داورى ذكر نمى شد. همچنين در مقررۀ پيش گفته مشخص نشده است كه ثبت بايستى نزد چه مرجعى صورت گيرد؛ ثبت نزد سازمان داورى كفايت مى كند يا ثبت رأى داورى بايد نزد دادگاه صورت گيرد؟ اگر سازمان داورى بسيار گمنام و نه چندان معتبر باشد، آيا ثبت نزد آن كافى است؟ همچنين مشخص نيست كه ويژگى ثبت براى درج در اين مقررۀ چه بوده و به چه دليلى ابلاغ مد نظر قرار نگرفته است.

شايدان ذكر است كه سازش نامه هاى كه در طى رسيدگى از سوى داور تنظيم شده اما ثبت نشده اند و به عنوان رأى داورى لازم الاجرا نيستند، در محدوده كنوانسيون سنگاپور قرار مى گيرند.^{۳۳} اين رويكرد كنوانسيون باعث مى شود كه حتى در مواردى كه طرفين در ابتدا قصدى براى ميانجى گرى نداشته، اما پس از طرح دعوا نزد قاضى يا داور تصميم به ميانجى گرى گرفته اند، چنين ميانجى گرى در محدوده كنوانسيون قرار مى گيرد، زيرا روش

۳۲. عبدالحسين، شيروى، داورى تجارى بين المللى، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳)، صص ۲۶۶-۲۶۷.

33. Natalie, Morris-Sharma, Ibid, p. 503.

اولیه حل اختلاف طرفین از منظر کنوانسیون سنگاپور اهمیتی ندارد.^{۳۴} لذا صرف دخالت داور در فرایند میانجیگری، سازش‌نامه را از محدوده کنوانسیون سنگاپور مستثنی نمی‌کند^{۳۵}، به شرط آنکه سازش‌نامه نهایی تنظیمی از سوی داور، ثبت نشده باشد.

۳. دخالت مؤلفه‌ای با عنوان «لازم‌الاجرا بودن رأی»

مطابق پاراگراف دوم از بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور سازش‌نامه‌های پیش‌گفته در رأی داور در صورتی استثنا شده‌اند که لازم‌الاجرا باشند. در خصوص معیار لازم‌الاجرا بودن رأی داور چند رویکرد وجود دارد: برابر رویکرد برخی نویسندگان، در صورتی که طرفین دعوا رأی را لازم‌الاجرا بدانند یا امکان اعتراض به رأی را پیش‌بینی نکرده باشند، چنین رأیی به محض صدور لازم‌الاجرا تلقی می‌شود.^{۳۶} به نظر می‌رسد رویکرد پیش‌گفته به علت ارتباط مسائل مربوط به اجرای احکام و اسناد با نظم عمومی قابل دفاع نیست.

رویکرد دیگر آن است که لازم‌الاجرا بودن رأی داور وفق مقررات بین‌المللی و داخلی کشورها باید مورد بررسی قرار گیرد. در این خصوص لازم‌الاجرا بودن می‌تواند بر مبنای قواعد دادگاه محل اجرا یا مقررات دادگاه مقر صدور رأی داور و یا کنوانسیون نیویورک تعیین شود.

برخی نویسندگان معتقدند که تعیین لازم‌الاجرا بودن یا نبودن رأی داور، وفق مقررات کشوری که از آن اجرا درخواست شده است (کشور مقر دادگاه اجراکننده)، صورت می‌گیرد.^{۳۷} به عبارت دیگر، در خصوص لازم‌الاجرا بودن یا نبودن آرای داور باید از دید کشوری که اجرا از آن درخواست شده است به موضوع نگاه کرد و نه کشور مقر داور. کارگروه آنسیترال معتقد بود که تشخیص لازم‌الاجرا بودن رأی داور باید برعهده مقام صلاحیت‌دار کشور محل درخواست اجرای سازش‌نامه باشد و اگر مقام یادشده تشخیص دهد که رأی داور منعکس‌کننده سازش‌نامه لازم‌الاجرا است، آن رأی شامل حمایت اجرایی کنوانسیون

34. Natalie, Morris-Sharma, Ibid, pp. 504-505.

35. Eunice, Chua, Ibid, p. 3.

۳۶. سرمه، بوذرجمهری و عیسی، امینی، «بررسی اعمال یکنواخت کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در پرتوی رویه قضایی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۵ (۱۳۹۵)، ص ۱۶۰.

37. Natalie, Morris-Sharma, Ibid, p. 504.

سنگاپور نمی‌شود.^{۳۸}

در مقابل، شاید عنوان شود که تعریف لازم‌الاجرا بودن باید مطابق قانون مقر صدور رأی داورى صورت بگیرد. چنین تحلیلی با توجه به عدم ذکر آن در متن کنوانسیون سنگاپور، تحمیل عقیده نویسندگان یادشده بر اراده امضاکنندگان این کنوانسیون است، زیرا اصولاً هدف از وضع کنوانسیون‌هایی از قبیل کنوانسیون نیویورک و سنگاپور، حمایت از آرا و سازش‌نامه‌هایی است که در کشور محل درخواست اجرا، با مشکلات اجرایی مواجه هستند و نه در کشور محل صدور. در حقیقت با توجه به اینکه لازم‌الاجرا بودن رأی یا سازش‌نامه در کشور محل صدور، تکلیفی به لازم‌الاجرا تلقی نمودن آن برای کشور محل درخواست اجرا ایجاد نمی‌کند، اصولاً اقتباس معیار لازم‌الاجرا بودن از کشور محل صدور، فایده خاصی دربر نخواهد داشت.

در مجموع به نظر می‌رسد که از بین دو رویکرد پیش‌گفته، تعیین لازم‌الاجرا بودن رأی داورى منعکس‌کننده میانجیگری، وفق مقررات کشور محل درخواست اجرای رأی داورى قابل دفاع است. همچنین کنوانسیون نیویورک به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اجرای آرای داورى در عرصه جهانی و به‌عنوان مقبول‌ترین کنوانسیون تصویب‌شده در عرصه حقوق حل و فصل اختلافات، قطعاً می‌تواند مبنایی برای تعیین لازم‌الاجرا بودن رأی داورى منعکس‌کننده میانجیگری تلقی گردد. به نظر می‌رسد از بین معیار مقررات کشور محل درخواست اجرای رأی داورى و کنوانسیون نیویورک، تعیین لازم‌الاجرا بودن رأی داورى منعکس‌کننده میانجیگری، طبق کنوانسیون نیویورک ارجح است، زیرا برابر مذاکرات کارگروه آنسیترال هدف اصلی از استثناکردن آرای داورى منعکس‌کننده میانجیگری از شمول کنوانسیون سنگاپور، اجتناب از تداخل میان محدوده کنوانسیون سنگاپور با کنوانسیون نیویورک بوده است.^{۳۹} و در مذاکرات کارگروه، به استثنا کردن رأی داورى منعکس‌کننده میانجیگری به دلیل لازم‌الاجرا بودن وفق قانون ملی کشور محل درخواست اجرای رأی داورى اشاره‌ای نشده است.

38. Norel, Rosner, Ibid, p. 1262.

39. Edna, Sussman, "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", Ibid, p. 49.

صرف‌نظر از آنچه بیان شد، موضع بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور مبنی بر مستثنی کردن سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری لازم‌الاجرا محل انتقاد است، زیرا مقررۀ یادشده با مفاد ماده ۷ همان کنوانسیون نیز هماهنگی ندارد. با توجه به ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور، این کنوانسیون نباید هیچ‌یک از طرفین ذی‌نفع را از حقوقی که ممکن است به‌نوعی ناشی از سازش‌نامه و در حدود قوانین و معاهدات کشور عضو کنوانسیون داده شده است، محروم گرداند. بنابراین ماده ۷ کنوانسیون، حمایت مضاعف مقررات ملی و کنوانسیون سنگاپور را مورد شناسایی قرار داده است؛ موضعی که دقیقاً با بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون تفاوت اساسی دارد. ممکن است این سؤال مطرح شود که حمایت مضاعف از قبیل آنچه که در ماده ۷ کنوانسیون مقرر شده است، چه فایده‌ای دارد؟ به بیان دیگر، در فرضی که مقررات ملی یا معاهدات کشور محل درخواست اجرا، از اجرای سازش‌نامه منعکس در رأی داوری حمایت می‌کند، آیا سخن از حمایت کنوانسیون سنگاپور، عبث نیست؟! پاسخ آن است که فلسفۀ مقرراتی از قبیل ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور آن است که در راستای تسهیل حداکثری مدنظر کنوانسیون، متقاضی اجرا بتواند بین مقررات حمایتی مختلف، مقررات و رویه‌ای را انتخاب کند که بیشترین تسهیل و کمترین تشریفات را برای وی تدارک می‌بیند. بر این اساس و با درنظر گرفتن مأموریت ذاتی کنوانسیون سنگاپور (حمایت اجرایی حداکثری)، باید مقررات بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون را با لحاظ مذاکرات کارگروه آنسیترال، تفسیر مضیق نموده، قائل شد که هدف بند اخیر صرفاً جلوگیری از تداخل کنوانسیون‌های نیویورک و سنگاپور بوده است. هرچند مطلوب‌تر آن بود که تنظیم‌کنندگان کنوانسیون سنگاپور، به فلسفۀ منعکس در ماده ۷ این معاهده وفادار مانده، اساساً از درج بند ۳ ماده ۱ خودداری می‌نمودند.

۴. ابهام در اطلاق عنوان «رأی» بر سازش‌نامه‌های تنظیمی از سوی داور

در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور ذکر شده است که سازش‌نامه‌هایی که به‌عنوان رأی داوری مورد ثبت قرار گرفته‌اند، از شمول کنوانسیون سنگاپور خارج‌اند. شایسته بود سازش‌نامه‌های تنظیمی از سوی داور از محدوده اعمال این کنوانسیون استثنا می‌شدند. در ادبیات حقوقی ایران نیز سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد دادگاه به جای رأی، گزارش اصلاحی

یا قرارداد قضایی نامیده می‌شوند. جالب اینجاست که در پاراگراف اول بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون قید «نزد دادگاه» ذکر شده، اما در پاراگراف دوم بند ۳ ماده ۱ قید «نزد داور» یا «از سوی داور» عنوان نشده و ذکر «در رأی داوری» شرط مستثنی شدن این نوع سازش‌نامه‌ها تلقی گردیده است.

در واقع سه حالت در این خصوص وجود دارد: ۱- سازش‌نامه تنظیمی در جریان داوری بدون دخالت داور؛ ۲- صدور رأی از سوی داور در فرضی که طرفین به توافقاتی رسیده‌اند؛ ۳- تنظیم سازش‌نامه از جانب داور. در فرض اول و سوم نمی‌توان سازش‌نامه تنظیمی را رأی داور تلقی کرد و سازش‌نامه نزد داور تنظیم شده است.

تفاوت رأی داوری منعکس‌کننده میانجیگری میان طرفین با سایر آرای داوری در این است که نقش داور در این نوع خاص با آرای داوری متفاوت است، زیرا در فرض اخیر، داور در خصوص اختلاف طرفین دعوا تصمیم‌گیری نمی‌کند و خود طرفین دعوا هستند که با رجوع به میانجیگری باعث حل دعوای خود می‌شوند.^{۴۰}

در این زمینه موضع مقررات بین‌المللی حل و فصل اختلافات با حقوق داخلی ایران تفاوت دارد. این مسئله هم در مقایسه مقررات بین‌المللی با قوانین ایران آشکار است و هم قوانین مصوب قوه مقننه موضع‌گیری دوگانه‌ای دارند. با این توضیح که موضع مقنن در قانون آیین دادرسی مدنی این است که سازش‌نامه تنظیمی از سوی مراجع ترافی «رأی» نبوده، نوعی «قرارداد» محسوب می‌شود. با همین مبنا ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی، سازش‌نامه تنظیمی نزد داور را نوعی «صلح‌نامه» بیان کرده و عنوان «رأی» را مورد استفاده قرار نداده است. ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی نیز در مورد سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد دادگاه، از عنوان «گزارش اصلاحی» استفاده کرده و در فراز بعدی این ماده نیز از عنوان «سازش‌نامه» بهره برده است. در انتهای این ماده عنوان شد که سند موردنظر، «مانند احکام دادگاه‌ها» به اجرا گذاشته می‌شود. لذا برابر قانون یادشده سازش‌نامه تنظیمی نزد دادگاه،

40. Eduard, Serbenco., "Bargaining in the Shadow of Arbitration: When Mediation Settlements become Enforceable Arbitral Awards", Romanian Journal of International Law, 14, (2012), p. 73; Edna, Sussman, "The Final Step: Issues in Enforcing the Mediation Settlement Agreement in Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation", The Fordham Papers Martinus Nijhoff Publishers, (2008), p. 19-20.

حکم یا رأی دادگاه تلقی نمی‌شود و صرفاً مانند احکام از اعتبار اجرایی برخوردار است. از طرفی، تعریف قانونی رأی از سوی قانون‌گذار نشان می‌دهد که رأی شامل سازش‌نامه نمی‌شود. در ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قانون‌گذار در مقام تبیین مفهوم حکم و قرار، عنوان می‌کند که چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، «حکم»، و در غیر این صورت «قرار» نامیده می‌شود. مطابق این قانون رأی به دو قسم حکم و قرار تقسیم می‌شود و لذا عنوان «گزارش اصلاحی» نامبرده در ماده ۱۸۳ قانون در هیچ‌یک از اقسام رأی (حکم یا قرار) نمی‌گنجد. لذا موضع قانون آیین دادرسی مدنی بر این تعلق گرفته است که سازش‌نامه تنظیمی نزد داور و دادگاه یک قرارداد محسوب می‌شود که در صورت تنظیم از سوی دادگاه «گزارش اصطلاحی» نامیده شده، و در صورت تنظیم از جانب داور، «صلح‌نامه» نام‌گذاری شده است. اما در ماده ۲۸ قانون داور تجاری بین‌المللی، قانون‌گذار تحت تأثیر قانون نمونه آنسیترال و فضای داور تجاری بین‌المللی، قبول کرده است که سازش‌نامه تنظیمی نزد داور نوعی رأی محسوب می‌شود. برابر ماده یادشده در صورت طی فرایند میانجیگری میان طرفین، داور قرار سقوط دعوا را صادر می‌کند و در صورت درخواست یک طرف و عدم مخالفت طرف مقابل، سازش‌نامه را به صورت «رأی داور» بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین با رعایت مفاد ماده ۳۰ در شکل آرای داور صادر می‌کند. بند ۲ ماده ۳۰ قانون داور تجاری بین‌المللی نیز سازش‌نامه تنظیمی نزد داور را رأی تلقی کرده، در عین حال، ذکر دلایل را در آن لازم نمی‌داند.

قید یادشده در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور این زمینه را ایجاد کرده است که اگر داور صلح‌نامه‌ای تنظیم نماید و آن را امضا کند، می‌توان اعلام نمود که سازش‌نامه رأی محسوب نمی‌شود. در این حالت چنین سازش‌نامه‌ای مشمول این مقرره کنوانسیون سنگاپور نمی‌شود، زیرا اصولاً در رأی یک اراده بیشتر دخیل نیست که همان اراده داور است، اما در سازش‌نامه اراده طرفین دعوا باعث تنظیم سازش‌نامه می‌شود و در خصوص میانجیگری میان طرفین، داور صرفاً توافق‌های طرفین را گزارش می‌کند و در این فرض اراده یک‌طرفه داور وجود ندارد.^{۴۱}

41. Eduard, Serbeno, Ibid, p. 82; Brette, Steele, "Enforcing International Commercial Mediation Agreements as Arbitral Awards under the New York Convention", UCLA Law Review, 54, (2007), p. 1399.

تنها راه توجیه این وضعیت اینست که بیان نماییم کنوانسیون سنگاپور در استفاده از اصطلاح «رأی داوری» تسامح کرده است. چنین تسامحی در ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز دیده می‌شود. البته در قانون نامبرده نیز ذکر شده که سازش‌نامه «به‌عنوان رأی داوری» صادر می‌شود و سازش‌نامه را رأی داوری محسوب نکرده است و صرفاً از لحاظ شکل ظاهری، سازش‌نامه در قالب رأی داوری ذکر می‌شود؛ لذا ماهیت سازش‌نامه تغییری نکرده است و به معنای واقعی رأی داوری محسوب نمی‌شود. اگرچه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران عموماً ترجمه قانون نمونه داوری آنسیترال است، اما موضع آن در این باره، مطابق قانون نمونه داوری آنسیترال (ماده ۳۰) نیست. به‌نظر می‌رسد علت اتخاذ این رویه بحث‌های موجود در نظام حقوقی ایران در خصوص تفاوت رأی داوری با سازش‌نامه‌های یادشده در رأی داوری است. در قانون نمونه آنسیترال آمده است که داور باید ذکر کند که این سازش‌نامه رأی است، ولی این موضع را قانون داوری تجاری بین‌المللی نپذیرفته است. البته مطابق قانون نمونه آنسیترال، اگر داور بیان نکرده باشد که این سازش‌نامه رأی داوری است مشکل به‌وجود می‌آید و مشخص نیست آیا این نوع سازش‌نامه‌ها رأی داوری محسوب می‌شوند یا خیر. در مجموع در نظام‌های حقوقی مختلف درباره این سازش‌نامه تنظیمی از سوی داور رأی محسوب می‌گردد یا خیر، نظریات متعددی وجود دارد و نحوه تنظیم کنوانسیون سنگاپور امکان تفسیر به رأی آن را فراهم کرده است و کشورها می‌توانند سازش‌نامه تنظیمی نزد داور را رأی تلقی نکنند، زیرا به هر حال، داور در خصوص ماهیت دعوا تصمیم نگرفته است و مبنای سازش‌نامه، اراده طرفین دعواست.

در بند ۳ ماده ۳۴ قواعد داوری آنسیترال ۲۰۱۰ نیز مطابق رویکرد قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران عنوان شده که در سازش‌نامه تنظیمی نزد داور، نیازی به ذکر استدلال وجود ندارد. عدم لزوم استدلال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رأی نشان می‌دهد که مقررات یادشده نیز اعتقاد دارد که سازش‌نامه تنظیمی نزد داور، رأی محسوب نمی‌شود. اصولاً رأی داوری باید شامل استدلال مدنظر داور باشد، اما چنین موضوعی در خصوص

آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری طرفین، اجرا نمی‌شود و برخی^{۴۲} بیان داشته‌اند که اجرای رأی داوری فاقد استدلال از سوی دادگاه، امکان‌پذیر نیست.

به هر حال، نحوه تعریف قانونی سازش‌نامه تنظیمی نزد داور، موضوعی اختلافی است و بهتر بود کنوانسیون سنگاپور از اصطلاحی استفاده می‌کرد که باعث ورود این اختلافات به تفسیر این کنوانسیون نشود و اگر کنوانسیون یادشده از قید «سازش‌نامه تنظیمی نزد داور» به جای «سازش‌نامه ثبت‌شده تحت عنوان رأی داوری» استفاده می‌کرد، دیگر اختلافی در تفسیر این بند ایجاد نمی‌شد. اما با چنین مقرره‌ای کنوانسیون زمینه را فراهم کرده است که احیاناً برخی کشورها سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد داور را رأی داوری تلقی نکنند. اگرچه با محدود شدن استثنای پیش‌گفته و افزایش قلمرو حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور، اتفافی مثبت رخ داده، اما یکپارچگی تفسیر مقررات کنوانسیون امری مطلوب است و باعث استحکام و استواری کنوانسیون به‌عنوان سندی بین‌المللی می‌شود.

۵. تمرکز کنوانسیون سنگاپور بر مستثنی کردن «رأی داوری» به جای مستثنی کردن حمایت کنوانسیون نیویورک

هدف اصلی استثنا کردن آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری طرفین از شمول کنوانسیون سنگاپور، اجتناب از تداخل میان محدوده کنوانسیون سنگاپور و کنوانسیون نیویورک بوده است. ایراد این مقرره در فرضی آشکار می‌شود که سازش‌نامه‌ای در داوری منعکس شود، اما به هر دلیلی تحت شمول کنوانسیون نیویورک قرار نگیرد. در این حالت با توجه به بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، سازش‌نامه از حمایت این کنوانسیون نیز به دلیل ذکر در رأی داوری نیز محروم خواهد بود. در این صورت سازش‌نامه تحت حمایت هیچ‌کدام از دو کنوانسیون مورد اشاره قرار نمی‌گیرد.

آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری همیشه مشمول کنوانسیون نیویورک نمی‌شوند و در اعمال کنوانسیون نیویورک بر این‌گونه آرای داوری مشکلاتی به شرح زیر وجود دارد:

42. Judith, Resnick, "Uncovering, Disclosing, and Discovering How the Public Dimensions of Court- Based Processes Are At Risk", Chicago-Kent College of Law Review, 81, (2006). P. 569.

در خصوص اجرای رأی داوری منعکس‌کننده میانجیگری طرفین دعوا، برخی صاحب‌نظران^{۴۳} بیان داشته‌اند که امکان اعمال کنوانسیون نیویورک بر این نوع سازش‌نامه‌ها، به دلیل فقدان توافقنامه داوری پیشین مورد شک و تردید است، زیرا برابر بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک یکی از عوامل مخالفت با درخواست شناسایی و اجرای رأی داوری این است که دادگاه محل شناسایی و اجرای رأی داوری، توافقنامه داوری را ناموجود یا نامعتبر قلمداد نماید. لذا برای مثال، چنانچه پس از فرایند میانجیگری، طرفین جهت استفاده از مزایای کنوانسیون نیویورک سازش‌نامه را در قالب رأی داوری تنظیم نمایند، این سازش‌نامه به دلیل یادشده مشمول حمایت کنوانسیون نیویورک نمی‌شود، زیرا به بیان برخی نویسندگان^{۴۴} موافقت‌نامه داوری مبنای صلاحیت داور برای صدور رأی داوری است و زمانی که توافقی مبنی بر ارجاع اختلافات به داوری قابل احراز نباشد، طبیعتاً داوری نیز وجود ندارد. در نتیجه، در صورت نبود توافقنامه داوری، محکوم‌علیه می‌تواند به اجرا و شناسایی رأی داوری یادشده اعتراض کند^{۴۵}. این چالش در نظام حقوقی ایران نیز قابل طرح است، زیرا در پاراگراف (ب) بند ۱ ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی و نیز بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از جهات ابطال رأی داوری، بی‌اعتباری موافقت‌نامه داوری عنوان شده و به طریق اولی فقدان موافقت‌نامه داوری، مجوز ابطال رأی داوری است.

ایراد دیگر در مورد اجرای سازش‌نامه منعکس در رأی داوری، نبود اختلاف میان طرفین دعوا در صورت به نتیجه رسیدن میانجیگری میان اشخاص یادشده است. در واقع، زمانی که طرفین میانجیگری را به نتیجه می‌رسانند و سپس برای ذکر مفاد سازش‌نامه در رأی داوری به داور مراجعه می‌نمایند، اختلاف و دعوایی میان آن‌ها در هنگام رجوع به داوری وجود ندارد. در دو حالت امکان دارد رأی داوری منعکس‌کننده میانجیگری میان طرفین دعوا باشد. گاهی طرفین دعوا پیش‌تر فرایند میانجیگری را طی کرده‌اند و سپس برای ایجاد قابلیت اجرایی برای سازش‌نامه، به داور مراجعه کرده، تقاضا می‌کنند که مفاد سازش‌نامه در رأی

43. Stacie, Strong, "Beyond International Commercial Arbitration? The Promise of International Commercial Mediation", Washington University Journal of Law and Policy, 21, (2014), p. 36.

۴۴. عبدالحسین، شیروی، داوری تجاری بین‌المللی، پیشین، صص ۲۹۳-۲۹۴.

۴۵. سرمه، بوذرجمهری و عیسی، امینی، پیشین، ص ۱۴۸.

داوری ذکر شود (روش Med-Arb). اما گاهی طرفین دعوا از قبل فرایند داوری را آغاز نموده‌اند و سپس طی مذاکرات مطروحه در فرایند داوری، با میانجیگری اختلاف برطرف می‌شود و داور انجام میانجیگری یادشده را در رأی داور منعکس می‌کند (روش Arb-Med). در روش اخیر، قبل از میانجیگری میان طرفین دعوا، داور به‌درستی منصوب گردیده است و در مورد اختیار داور در صدور چنین رأی داور شک و تردیدی وجود ندارد^{۴۶} اما در روش اول (روش Med-Arb) در مورد صلاحیت داور برای صدور چنین رأی داور تردیدهایی وجود دارد، زیرا انتصاب داور زمانی انجام شده که اختلافی میان طرفین وجود نداشته^{۴۷} و موافقت‌نامه داوری وسیله‌ای برای حل و فصل دعوا میان طرفین بوده است و در فرض به نتیجه رسیدن میانجیگری بین اشخاص یادشده، اختلاف یا دعوی وجود ندارد که حل و فصل گردد. در قواعد داخلی حقوق ایران نیز وجود اختلاف قبل از شروع فرایند داوری، جزء خصوصیات اصلی داوری‌های داخلی و تجاری بین‌المللی ذکر شده است. بند «الف» و «ج» ماده ۱ و ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و نیز مواد ۴۵۴ و ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی، چنین دلالت‌هایی دارند.

برابر کنوانسیون نیویورک داور باید رأی داور را در محدوده توافقت‌نامه داوری صادر نماید و پاراگراف «ج» بند ۱ ماده ۵ معاهده یادشده در این خصوص بیان می‌دارد: در فرضی که رأی داور شامل تصمیمی در مورد موضوعاتی فراتر از حیطه شمول ارجاع به داوری باشد، قابلیت اجرا و شناسایی را وفق مقررات این کنوانسیون از دست خواهد داد. به بیان برخی صاحب‌نظران^{۴۸}، رأی داور نباید شامل موضوعاتی فراتر از چارچوب صلاحیتی داور

46. Yarik, Kryvoi; Dmitry, Davydenko, "Consent Awards in International Arbitration: From Settlement to Enforcement", *Brooklyn Journal of International Law*, 40, (2015), p. 866-867; Eduard, Serbenko, *Ibid*, p. 81; Kaitlyn, Carr, "The Enforcement of Consent Awards in International Commercial Arbitration", *New York State Bar Association*, (2016), p. 5.

47. Carr, K, *Ibid*, p. 4; Caroline, Ming; Christian, Iovene, "Advantages and Benefits of the Revised Swiss Rules of Mediation 2019 – in Light and in Line with the Singapore Convention", *ASA BULLETIN*, 382, (2020), p. 10-11; Winnie, Ma, "Enforcing Mediated Settlement Agreements under the New York Convention: From Controversies to Creativities," *Contemporary Asia Arbitration Journal (CAA Journal)*, 7, (2014), p. 72; Yarik, Kryvoi; Dmitry, Davydenko, *Ibid*, p. 854; Edna, Sussman, "The Final Step: Issues in Enforcing the Mediation Settlement Agreement in Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation", p. 18; Eduard, Serbenko, *Ibid*, p. 83; Clemens, Treichl, *Ibid*, p. 8.

۴۸. سرمه، بوذرجمهری و عیسی، امینی، پیشین، ص ۱۵۰.

باشد که در توافقنامه داوری تبیین شده است، زیرا میزان صلاحیت داور وفق موافقتنامه داوری تعیین می‌شود. این امکان وجود دارد که طرفین پس از شروع فرایند داوری، به هر دلیلی به طی شدن فرایند میانجیگری در خصوص دعوی خود حاضر شوند و متعاقباً در رأی داوری، مفاد سازش‌نامه از سوی داور ذکر گردد، اما ممکن است مفاد سازش‌نامه منعکس در رأی داوری، فراتر از حیطه موافقتنامه داوری طرفین دعوا باشد. در چنین شرایطی، کنوانسیون نیویورک از رأی داوری حمایت اجرایی نمی‌کند، زیرا رأی داوری دربرگیرنده موضوعاتی است که در موافقتنامه داوری عنوان نشده‌اند.^{۴۹} به نظر می‌رسد که مقررات یادشده در پاراگراف «ج» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، پاراگراف «ه» از بند ۱ ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی و بند ۲ و ۳ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، در مورد منع صدور رأی داوری خارج از محدوده توافقنامه داوری در خصوص رسیدگی توافقی بوده و سازش‌نامه نوعی توافق میان طرفین دعوا است که نباید محدود به موافقتنامه داوری طرفین دعوا گردد؛ به این معنا که اراده طرفین دعوا که اختیارات داور یا داوران را به مواردی خاص محدود نموده است، می‌تواند با امضای سازش‌نامه باعث افزایش قلمرو اختیارات داور یا داوران شود.

اساسی‌ترین و بااهمیت‌ترین معیار برای تعیین قلمرو اعمال کنوانسیون نیویورک، عامل جغرافیایی (محل صدور) است. مطابق بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون، رأی غیرملی یا غیرمحلّی مشمول این کنوانسیون قرار نمی‌گیرد، زیرا به دلیل مشخص نبودن محل صدور آن، رأی یادشده وفق معیار کنوانسیون نیویورک، خارجی تلقی نمی‌شود.^{۵۰} در مورد سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری نیز چنین موضوعی عنوان می‌شود، زیرا سازش‌نامه بین‌المللی فاقد محل صدور بوده و در خصوص وضعیت حقوقی مقر در فرایند میانجیگری، تا به حال مقرراتی وضع نشده و به نظر می‌رسد علت این امر آن است که برخلاف داوری، تعیین مقر سازش‌نامه به سهولت امکان‌پذیر نیست^{۵۱} و مطابق نظریه محل‌زدایی، میانجیگری نهادی

49. Yarik, Kryvoi; Dmitry, Davydenko, Ibid, 851; Brette, Steele, Ibid, p. 1406-1407.

۵۰. لعیا، جنیدی، «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۱ (۱۳۹۵)، ص ۷۶.

51. Ahdieh Alipour, Herisi; Trachte-Huber, Wendy, Ibid, p.159; Timothy, Schnabel, "Implementation Of The Singapore Convention: Federalism, Self-Execution, And Private Law Treaties", American Review of International Arbitration, 30, (2019), p. 30; James, Claxton, The Singapore Convention: Mediation in a New York State of Mind, (2020).

حقوقی است که بدون در نظر گرفتن مقررات و قوانین مکان وقوع، با آن برخورد می‌شود.^{۵۲}

قاعدتاً در رأی داوری باید استدلال مدنظر داور ذکر شود و در همین راستا برخی نویسندگان^{۵۳} عنوان کرده‌اند که دادگاه نمی‌تواند رأی داوری فاقد استدلال را به اجرا درآورد، اما چنین ملاحظه‌ای در مورد آرای داوری منعکس‌کننده میانجیگری اعمال نمی‌گردد. لذا در صورت اهمیت داشتن وجود استدلال در رأی داوری برای کشور محل اجرا و تلقی آن به عنوان یکی از قواعد نظم عمومی، دادگاه‌های کشور یادشده می‌توانند با استناد به پاراگراف «ب» بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک (مخالفت با نظم عمومی) مانع اجرای چنین رأیی شوند.^{۵۴}

با توجه به ایرادات پیش‌گفته، شایسته بود کنوانسیون سنگاپور در این ماده به جای استثنا کردن سازش‌نامه‌های یادشده در رأی داوری، سازش‌نامه‌های تحت حمایت کنوانسیون نیویورک را استثنا می‌کرد. علت اصلی ایراد پیش‌گفته این است که کنوانسیون سنگاپور در خصوص استثنای این سازش‌نامه در رأی داوری، مبنای لازم‌الاجرا بودن رأی داوری مطابق کنوانسیون نیویورک قرار نداده، بلکه معیار صرفاً ذکر سازش‌نامه در رأی داوری و لازم‌الاجرا بودن آن است. در صورتی که این فرض متصور شود که وفق شرایطی سازش‌نامه تنظیمی نزد داور، تحت شمول کنوانسیون نیویورک قرار نگیرد، اما علی‌الاصول سند یادشده می‌تواند در صورت نبود این استثنا، در محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور واقع شود و متعاقباً از

<Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3416116>>; Nadja, Alexander; Shou, Chong, The new UN Convention on mediation (aka the 'Singapore Convention') – Why it's important for Hong Kong, p. 1; Nadja, Alexander; Shou, Chong, Singapore convention series: Why is there no 'seat' of mediation?, Research Collection School Of Law, (2019), p. 2; Joséphine, Chahine; Ettore, Lombardi; David, Lutran; Catherine, Peulvé, "The Acceleration of the Development of International Business Mediation after the Singapore Convention", Wolters Kluwer (Wolters Law International), 4, (2020), p. 11.

52. Timothy, Schnabel, "The singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements", Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, 19, (2019), p. 22; Nadja, Alexander; Shou, Chong, The new UN Convention on mediation (aka the 'Singapore Convention') – Why it's important for Hong Kong, p. 1; Elisabetta, Silvestri, "The Singapore Convention On Mediated Settlement Agreements: A New String To The Bow Of International Mediation?", Access To Justice In Eastern Europe Journal, 4, (2019), p. 193.

53. Judith, Resnick, Ibid, p. 569.

۵۴. حسین، خزاعی، «رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ش ۳ (۱۳۸۶)، ص ۱۱۰.

حمایت اجرایی آن برخوردار گردد. در این حالت، این نوع سازش‌نامه‌ها فاقد هرگونه حمایت اجرایی مطابق دو کنوانسیون یادشده خواهند بود و اگر این استثنا به این صورت تنظیم نمی‌شد با بالاتکلیفی اجرایی در مورد این سازش‌نامه‌ها مواجه نمی‌شدیم.

اگر فقط ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور ملاک قرار می‌گرفت، کشورها در صورت عضویت در کنوانسیون سنگاپور می‌توانستند برای این سازش‌نامه در رأی داوری بالاترین حمایت اجرایی را در نظر بگیرند. اما با توجه به استثنای یادشده در بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون در صورتی که سازش‌نامه در رأی داوری ذکر شود، از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور خارج خواهد شد و ممکن است در محدوده اعمال کنوانسیون نیویورک نیز قرار نگیرد. چنانچه در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور استثنای سازش‌نامه‌های یادشده در رأی داوری به سازش‌نامه‌هایی اطلاق می‌شد که مشمول کنوانسیون نیویورک بوده و وفق مقررات کنوانسیون سنگاپور، شامل حمایت کمتری نسبت به حمایت‌های مقرر در کنوانسیون نیویورک باشند، این موضع قابل توجیه به نظر می‌رسید، زیرا توسل به کنوانسیون دارای حمایت‌های ضعیف‌تر، توجیه منطقی نداشت. اما برابر بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور حتی در صورت حمایت حداقلی کنوانسیون نیویورک یا در فرض عدم حمایت کنوانسیون یادشده به دلیل احتمال رأی داوری بر سازش‌نامه، کنوانسیون سنگاپور نسبت به سازش‌نامه پیش‌گفته اجرا نخواهد شد.

نتیجه

همیشه این احتمال وجود دارد که نتیجه فرایند میانجیگری در رأی داوری ذکر شود یا طرفین دعوا در حین رسیدگی پرونده، به سازش رسیده، داور نیز مفاد سازش‌نامه آنها را در رأی داوری ذکر کند. با توجه به اینکه میانجیگری و داوری دو روش مستقل حل و فصل اختلافات هستند، مقررات قانونی و رژیم اجرایی حاکم بر رأی داوری منعکس‌کننده نتیجه میانجیگری، مورد تردید است. در خصوص اجرای چنین رأی داوری، دو مقررۀ کنوانسیون سنگاپور در خصوص سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک در مورد آرای داوری تجاری بین‌المللی قابلیت استناد دارند. همچنین جدا از تطبیق مقررات دو معاهده یادشده، بررسی تطبیقی موضع حقوق ایران نیز از این نظر ضرورت دارد.

در بند ۳ از ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، سازش‌نامه‌هایی که به‌عنوان «رأی داوری» مورد ثبت قرار گرفته و لازم‌الاجرا باشند، از قلمرو اعمال معاهده نامبرده مستثنی شده‌اند. هدف اصلی وضع قاعده پیش‌گفته، اجتناب از تداخل میان محدوده کنوانسیون سنگاپور با کنوانسیون نیویورک بوده است تا سازش‌نامه از دو طریق قابلیت اجرایی نداشته باشد. توجیه یادشده از لحاظ حقوقی چندان قابل دفاع نیست و ایرادی ندارد که رأی داوری از حمایت اجرایی دو کنوانسیون برخوردار شود تا ذی‌نفع بتواند حسب مورد، مقرراتی را انتخاب نماید که بیشترین تسهیل و کمترین تشریفات را دارد.

در متن این مقررہ شرط شده است که سازش‌نامه در «رأی داوری» ذکر شود و همچنین این سازش‌نامه «ثبت‌شده» و «لازم‌الاجرا» باشد. با توجه به وجود تردید در مورد توصیف سازش‌نامه تنظیمی در داوری به‌عنوان «رأی» و با عنایت به مشخص نبودن منظور کنوانسیون از قید «ثبت‌شده» و «لازم‌الاجرا»، نحوه تنظیم مقررہ یادشده قابل نقد است. به‌علاوه استثنا کردن رأی داوری از محدوده کنوانسیون سنگاپور از یک طرف، و عدم حمایت کنوانسیون نیویورک از برخی آرای داوری، از طرف دیگر، باعث شده است که در خصوص اجرای چنین آرای داوری خلاً به‌وجود آید. لذا در برخی موارد، رأی داوری منعکس‌کننده نتیجه فرایند میانجیگری مشمول حمایت اجرایی هیچ‌کدام از معاهدات نامبرده نمی‌شود. با توجه به عدم امکان استفاده از کنوانسیون سنگاپور برای اجرای سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری، راه‌حل این است که طرفین دعوا، وکلای آنها و داوران با رعایت ملاحظاتی از جمله، گسترش قلمرو توافقنامه داوری، اختیارات داوران و نیز درج محل صدور سازش‌نامه در متن آن، باعث شوند که مقررات حمایتی کنوانسیون نیویورک بر سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری اعمال شود. در نظام حقوقی ایران، اگرچه حمایت ضعیف‌تری از سازش‌نامه‌های ناشی از میانجیگری به‌عمل آمده است و بسیاری از سازش‌نامه‌ها به‌عنوان سند لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شوند، اما در عین حال، در موارد حمایت اجرایی عملاً مشکل تداخل حمایت‌های اجرایی مقررات میانجیگری و داوری وجود ندارد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، ج ۲، (تهران: کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۲).
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دائرة المعارف علوم اسلامی*، ج ۲، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱).
۳. جنیدی، لعیا، *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چ ۳، ۱۳۹۶).
۴. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۳، (تهران: انتشارات دراک، چ ۳۲، ۱۳۹۸).
۵. شیروی، عبدالحسین، *حقوق تجارت بین الملل*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱).
۶. شیروی، عبدالحسین، *داوری تجاری بین المللی*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳).
۷. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی؛ عقود معین مشارکتها-صلح*، ج ۲، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۱).
۸. متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸).

- مقالات

۹. بوذرجمهری، سرمه و امینی، عیسی، «بررسی اعمال یکنواخت کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در پرتوی رویه قضایی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۷۵ (۱۳۹۵).
۱۰. جنیدی، لعیا، «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، *مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران*، ش ۱ (۱۳۹۵).
۱۱. خزاعی، حسین، «رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۳ (۱۳۸۶).
۱۲. مجتهدی، محمدرضا، «درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، سال دوم، شماره ۳، (۱۳۹۰).
۱۳. معبودی، رضا و رضائی، سیدعلیرضا، «تحلیل دعاوی مستثنی شده از قلمرو کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه»، *مطالعات حقوق تطبیقی*

– BOOKS

14. Abramson, Hal, “New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements”, Catharine Titi; Katia Fach-Gomez, *Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, (London, Oxford University Press, First Edition, 2019).
15. D’Ambrumenil, Peter, *Mediation And Arbitration*, (Great Britain: Cavendish Publishing Limited, First published, 1997).
16. Redfern, Alan; Hunter, Martin, *The Law and Practice of International Commercial Arbitration*, (London: Oxford University Press, 2009).
17. Vandekerckhove, Karen, *Mediation of Cross-Border Commercial Disputes in the European Union, In Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, (London: Oxford University Press, First Edition, 2019).

– Articles

18. Alexander, Nadja; Chong, Shou, “Singapore convention series: Why is there no ‘seat’ of mediation?”, *Research Collection School Of Law*, (2019).
19. Alexander, Nadja; Chong, Shou, “The new UN Convention on mediation (aka the ‘Singapore Convention’) – Why it’s important for Hong Kong”, Hong Kong Lawyer 26-33. *Research Collection School Of Law*, (2019).
20. Carr, Kaitlyn, “The Enforcement of Consent Awards in International Commercial Arbitration”, *New York State Bar Association*, (2016).
21. Chahine, Joséphine; Lombardi; Ettore; Lutran, David; Peulvé, Catherine, “The Acceleration of the Development of International Business Mediation after the Singapore Convention”, *Wolters Kluwer* (Wolters Law International), 4, (2020).
22. Chong, Shou; Steffek, Felix, “Enforcement of international

- settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private international law issues in perspective”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019).
23. Christine, Sim, “Conciliation of investor–state disputes, Arb-conarb, and The Singapore Convention”, *Singapore Academy of Law Journal*, V. 31, (2019).
 24. Chua, Eunice, “Enforcement Of International Mediated Settlements Without The Singapore Convention On Mediation”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019).
 25. Herisi, Ahdieh Alipour; Wendy, Trachte-Huber, “Aftermath of the Singapore Convention: A Comparative Analysis between the Singapore Convention and the New York Convention.” *American Journal of Mediation*, 12, (2019).
 26. Kryvoi, Yari.; Davydenko, Dmitry, "Consent Awards in International Arbitration: From Settlement to Enforcement", *Brooklyn Journal of International Law*, 40, (2015).
 27. Ma, Winnie, “Enforcing Mediated Settlement Agreements under the New York Convention: From Controversies to Creativities”, *Contemporary Asia Arbitration Journal* (CAA Journal), 7, (2014).
 28. McCormick, Khory; Ong, Sharon, “Through The Looking Glass: An Insiders Perspective Into The Making Of The Singapore Convention On Mediation”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019).
 29. Ming, Caroline; Iovene, Christian, “Advantages and Benefits of the Revised Swiss Rules of Mediation 2019 – in Light and in Line with the Singapore Convention”, *ASA BULLETIN*, 382, (2020).
 30. Morris-Sharma, Natalie, “Constructing The Convention On Mediation The Chairperson’s Perspective”, *Singapore Academy of Law Journal*, 31, (2019).
 31. Quek Anderson, Dorcas, “Supporting party autonomy in the enforcement of cross-border mediated settlement agreements: A brave new world or unchartered territory?”, Privatizing dispute resolution: Trends and limits, *Research collection school of Law*, 18, (2019).
 32. Resnick, Judith, “Uncovering, Disclosing, and Discovering How the Public Dimensions of Court- Based Processes Are At Risk”, *Chicago-Kent College of Law Review*, 81, (2006).

33. Roberts, Kenneth M, "Mediating the evaluative-facilitative debate: Why both parties are wrong and proposal for settlement", *Loyola University Chicago Law Journal*, 39(A), (2007).
34. Rooney, Kim, "Turning the rivalrous relations Between arbitration and mediation Into cooperative or convergent Modes of a dispute settlement Mechanism for commercial disputes In east Asia", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, 12, (2019).
35. Rosner, Norel, "The Singapore Convention: Reflections on Articles 1.3 on Scope, on Reservations, and 12 on Regional Economic Integration Organization", *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, 20, (2019).
36. Schnabel, Timothy, "The singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, 19, (2019).
37. Schnabel, Timothy, "Implementation Of The Singapore Convention: Federalism, Self-Execution, And Private Law Treaties", *American Review of International Arbitration*, 30, (2019).
38. Serbenco, Eduard, "Bargaining in the Shadow of Arbitration: When Mediation Settlements become Enforceable Arbitral Awards", *Romanian Journal of International Law*, 14, (2012).
39. Silvestri, Elisabetta, "The Singapore Convention On Mediated Settlement Agreements: A New String To The Bow Of International Mediation?", *Access To Justice In Eastern Europe Journal*, 4, (2019).
40. Steele, Brette, "Enforcing International Commercial Mediation Agreements as Arbitral Awards under the New York Convention", *UCLA Law Review*, 54, (2007), p. 1406-1407.
41. Strong, Stacie, "Beyond International Commercial Arbitration? The Promise of International Commercial Mediation", *Washington University Journal of Law and Policy*, 21, (2014).
42. Sussman, Edna, "The Final Step: Issues in Enforcing the Mediation Settlement Agreement in Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation", The Fordham Papers Martinus Nijhoff Publishers, (2008).
43. Sussman, Edna, "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement

- Agreements”, *Icc Dispute Resolution Bulletin*, 3, (2018).
44. Treichl, Clemens, “The Singapore Convention: Towards a Universal Standard for the Recognition and Enforcement of International Settlement Agreements?”, *Journal of International Dispute Settlement*, 20, (2020).
45. Zeller, Bruno; Trakman, Leon, “Mediation and arbitration: the process of enforcement”, *University of New South Wales Law Research Series Uniform Law Review*, 1, (2019).
46. Žukauskaitė, Miglė, “Enforcement of Mediated Settlement Agreements”, *Vilnius University Press*, 111, (2019).

ج) منابع اینترنتی

47. Alexander, Nadja, A Convention on the enforcement of iMSAs and a new Model Law, (2018), <Available at: <http://mediationblog.kluwerarbitration.com/2018/03/16/convention-enforcementimsasnewmodellaw>>.
48. Claxton, James, The Singapore Convention: Mediation in a New York State of Mind, (2020). <Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3416116>>.